رویش روان شناسی، سال۹ ، شماره ۱۲، شماره پیاپی ۵۷، اسفند ۱۳۹۹
Rooyesh-e-Ravanshenasi,9(12), 2021

تبیین سبک‌های هویت دانشجویان بر اساس خاطرات اولیه و عملکرد خانواده: یک مطالعه کیفی[1]

Explanation of Students' Identity Styles Based on Early Memories and Family Functioning: A Qualitative Study

مهری الیاسی (نویسنده مسئول)
کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، دانشگاه علامه طباطبایی(ره)، تهران، ایران.
مونا برادران خانیانی
کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه دانشگاه علامه طباطبایی تهران. ایران
فاطمه حسن پور
کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه دانشگاه علامه طباطبایی تهران، ایران.

Mohsen Rafiei*
M. A. of school consultant ,Allameh Tabatabai University,Tehran,Iran.
mehrielyasi73@gmail.com
Mona Baradaran Khaniani
M. A. of school consultant ,Allameh Tabatabai University,Tehran,Iran.
Fateme Hasanpoor
M. A. of school consultant ,Allameh Tabatabai University,Tehran,Iran.

چکیده

هویت عاملی مهم در تصمیم‌هایی است که افراد در مسیر زندگی خود برمی‌گزینند. خاطرات اولیه به‌عنوان قسمت‌های ثبت‌شده در ذهن افراد نمونه‌ای از تجارب دوران کودکی است که با عملکرد خانواده ارتباط تنگاتنگی دارد و مجموع این عوامل زمینه‌ساز شکل‌گیری سبک هویتی فرد است. پژوهش حاضر از نوع کیفی و با روش پدیدارشناسی انجام شد. جامعه موردمطالعه، دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی (ره) تهران در سال تحصیلی ۹۸-۹۷ بود که ۴۰ نفر از آن‌ها به روش نمونه‌گیری هدفمند وارد پژوهش شدند. جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه سبک‌های هویتی (بروزنسکی، ۱۹۹۲) و مصاحبه در خصوص خاطرات اولیه و عملکرد خانواده برخاسته از مدل عملکرد خانواده مک‌مستر انجام گرفت. تجزیه‌وتحلیل داده‌ها متناسب با رویکرد پدیداری و با روش کلایزی انجام شد. یافته‌ها در قالب مضامین اصلی و فرعی به محوریت سه مضمون خاطرات اولیه، عملکرد خانواده و سبک‌های هویتی با زیرمضمون‌های مختص به هر یک دسته‌بندی شدند. با توجه به نتایج حاصل از پژوهش می‌توان گفت که خاطرات اولیه کودکی و عملکرد خانواده می‌توانند جزو عوامل مهم در تشکیل سبک‌های هویتی باشند؛ بنابراین اجرای برنامه‌های آموزشی فردی و گروهی برای والدین در خصوص نحوه تنظیم عملکرد خانواده، در پرورش فرزندانی با سبک‌های هویتی مناسب، اثرگذار خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های هویتی، خاطرات اولیه، عملکرد خانواده.

نوع مقاله : پژوهشی | **دریافت : مهر ۹۹** | **پذیرش: آبان ۹۹** | **ویرایش نهایی : اسفند ۹۹**

Abstract

Identity is an essential factor in the decisions that people make in their lives. Early memories as recorded parts in people's minds, are examples of childhood experiences closely related to family functioning. These factors underlie the formation of people's identity styles. The present research was a qualitative study with the phenomenological method. The statistical population was the students of Allameh Tabataba'i University in Tehran in 2018-2019, 40 of whom entered the study by purposive sampling. Data were collected through Identity Styles Questionnaire (Berzonsky, 1992) and interviews about early memories and family functioning based on the McMaster model of family functioning. Data analysis was performed according to the phenomenological approach and Klaizi method. Findings were categorized into main and secondary themes focusing on the three themes of primary memories, family functioning, and identity styles with sub-themes specific to each. According to the study results, it can be said that early childhood memories and family functioning can be essential factors in the formation of identity styles. Therefore, the implementation of individual and group educational programs for parents on how to regulate family performance will be effective in raising children with appropriate identity styles.

Keywords: *Identity Styles, Early Memories, Family Function, Phenomenological Method*

مقدمه

نوجوانی و هویت‌یابی[2] بیشتر از هر مسئله دیگری به یکدیگر گره خورده‌اند. هویت‌یابی در دوران نوجوانی می‌تواند بر جنبه‌های مختلف و جهت‌یابی مسیر زندگی به‌عنوان یک عامل کلیدی تأثیرگذار باشد. اریکسون[3] (۱۹۶۳) معتقد است انسان‌ها هشت مرحله پی‌درپی رشد

[1] مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان «تبیین سبک‌های هویت دانشجویان بر اساس خاطرات اولیه و عملکرد خانواده» با حمایت دانشگاه علامه طباطبایی تهران است.

[2] Identification
[3] Erickson

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1399.9.12.1.6]

روانی- اجتماعی را تجربه می‌کنند و والدین، همسالان و معلمان در توصیف نقش‌ها اهمیت اساسی دارند. هر مرحله بر اساس موفقیت یا شکست در مراحل قبلی شکل می‌گیرد. در نظر او مشکلات و بحران‌های بسیاری در خلال نوجوانی (که پنجمین مرحله رشد روانی-اجتماعی است) رخ می‌دهد که او از آن به‌عنوان مرحله هویت‌یابی در برابر سردرگمی نقش یاد کرده است. تجارب این مرحله رشد به‌طور مستقیم بر سایر مراحل زندگی بزرگ‌سالی اثر می‌گذارد (بروزنسکی[1] و همکاران، ۲۰۱۳). شکل‌گیری هویت ترکیب مهارت‌ها، جهان‌بینی و همانندسازی دوران کودکی است که به‌صورت یک کل و کم‌وبیش پیوسته و منحصربه‌فرد درمی‌آید که برای نوجوان احساس تداوم گذشته و جهت‌گیری برای آینده را فراهم می‌کند (گروگر[2]، ۲۰۰۰، به نقل از ربانیان نجف‌آبادی، ۱۳۹۱). حل موفقیت‌آمیز بحران هویت در نوجوانی، فرد را پذیرای تجربیات جدید کرده و موجب خواهد شد فرد بر هم خوردن تعادل در دوره‌های بعدی را تحمل نموده و مجدداً آن را حل نماید و در سرتاسر زندگی این چرخه را ادامه دهد (آرچر[3]، ۲۰۰۸).

برخی محققان بر جهت‌گیری پردازش شناختی-اجتماعی یا سبک‌هایی که فرد به‌عنوان شاخص‌های هویت خود استفاده می‌کند متمرکز شده‌اند (بروزنسکی، ۲۰۰۳). بروزنسکی (۱۹۹۰) سه سبک پردازش هویت را مطرح می‌کند: سبک اطلاعاتی[4]، سبک هنجاری[5]، سبک سردرگم- اجتنابی[6]. بدین ترتیب که افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی، درگیر فرآیند خودکاوشگری فعال هستند و به جست‌وجو، پردازش و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود می‌پردازند. افراد دارای سبک هویت هنجاری همواره با تجارب و انتظارات افراد مهم زندگی‌شان هم‌نوایی و به شیوه جزمی و هنجاری عمل می‌کنند و تمایلی قوی به درونی‌سازی ارزش‌های گروه مرجع دارند. درنهایت افراد دارای سبک هویت سردرگم-اجتنابی تا جایی که ممکن است از مواجهه با مسائل مربوط به هویت دوری کرده و رفتارشان را بر اساس عوامل موقعیتی و لحظه‌ای تنظیم و بیشتر از راهبردهای اسنادی و شناختی ضعیف استفاده می‌کنند (شوارتز، کوته و آست[7]، ۲۰۰۵؛ والیر، کولهم، شاریف، وستوود و گودال[8]، ۲۰۰۶).

خانواده یک منبع هویت‌سازی و قوی‌ترین نهادی است که امر جامعه‌پذیری و انتقال ارزش‌ها را بر عهده دارد و عاملی کلیدی در شکل‌گیری و تداوم سلامت و آسیب جامعه است (پساجین، لایکس و المپی[9]، ۲۰۱۴). امروزه خانواده در گذار از تحولات جهانی شدن، ساختار و کارکردهای سنتی خود را از دست داده و به‌نوعی نابسامانی و ضعف دچار شده است (میر محمدرضایی و ساروخانی، ۱۳۹۷). جهانی شدن از طریق نفوذپذیر ساختن مرزهای جغرافیایی و فرهنگی و گسترش چشمگیر فضای اجتماعی و نسبی کردن ارزش‌ها، شرایط و منابع لازم را برای هویت‌سازی تا حدود بسیار زیادی از بین می‌برد. به‌این‌ترتیب با نسبی شدن ارزش‌ها و سنن اجتماعی که به‌واسطه خانواده انتقال می‌یافت، نوعی بحران هویت و معنا پدید می‌آید و زمینه شکل‌گیری هویت‌های سست و شکننده در خانواده‌های هسته‌ای به وجود می‌آید. بنابراین عملکرد خانواده و نوع کارایی آن در مقابله با تحولات درون و بیرون از سیستم خانواده بیش‌ازپیش می‌تواند در دست‌یابی یا عدم دست‌یابی افراد به هویت و نوع سبک‌های هویتی تأثیر بسزایی داشته باشد (کاظمی خوبان و چابکی، ۱۳۹۶). عملکرد خانواده، توانایی خانواده در انطباق با شرایط ایجادشده در طول حیات، حل تعارضات، همبستگی میان اعضا و موفقیت در الگوهای انضباطی و رعایت مرزهای بین افراد با هدف صیانت از نظام خانواده است (پروندی، عارفی و مرادی، ۱۳۹۵). الگوی مک مستر[10]، در مورد ارزیابی عملکرد خانواده، بر رویکرد سیستمی استوار است که در آن ساختار، چگونگی سازمان‌دهی و الگوهای تبادلی خانواده موردبررسی قرار می‌گیرد. اصول بنیادی این الگو عبارت است از: ارتباط بین بخش‌ها و اجزای خانواده با یکدیگر، قابل‌درک نبودن یک جزء جدای از سایر اجزای خانواده، نقش مهم ساختار و الگوهای تعاملی خانواده در تعیین و شکل‌دهی رفتار اعضای خانواده و این‌که کارکرد خانواده چیزی بیش از کارکرد مجموع اجزای آن است. به‌طورکلی طبق الگوی مک مستر، ابعاد مهم عملکرد خانواده، عبارت‌اند از: حل مسئله، ارتباط، نقش‌ها، پاسخ‌دهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار (رایان، اپستین، کیتنر، میلر و بیشاپ[11]، ۲۰۱۲).

---

[1] Berzonsky
[2] Groger
[3] Archer
[4] Informational style
[5] Formative style
[6] Diffuse-avoidant style
[7] Schwartz, Côté, & Arnett
[8] Valyear, Culham, Sharif, Westwood, & Goodale
[9] Pesigan, Luyckx, Alampay
[10] McMaster
[11] Ryan, Epstein, Keitner, Miller, & Bishop

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1399.9.12.1.6]

از طرف دیگر یکی از عوامل مؤثر در ایجاد هویت و سبک‌های متفاوت آن خاطرات اولیه افراد و مجموعه حوادثی است که در دوران کودکی به‌عنوان شالوده شخصیت فرد از دیدگاه روانشناسان بخصوص پیروان آدلری بررسی می‌شود. خاطرات قدیمی رضایت‌بخش‌ترین شاخص‌های سبک زندگی هستند، افراد معمولاً خاطراتی را به یاد می‌آورند که تأثیر مهم و برجسته‌ای بر زندگی آنان داشته است (شولتز و شولتز[۱]، ۲۰۱۳؛ ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۹۲). خاطرات اولیه به‌عنوان یکی از راه‌های ایجاد و تشخیص جنبه‌های شخصیت موردبحث قرار دارد و به‌عنوان پایه‌ای برای درک الگوهای مرکزی در شخص دیده می‌شوند (کوین، استالت و مارتی[۲]، ۲۰۱۷). روانشناسان آدلری معتقدند که تنها خاطراتی وجود دارند که هدفمند هستند، اگرچه ممکن است به‌طور آگاهانه در طول سال‌ها به خاطر بار هیجانی بالایی که دارند به خاطر آورده نشوند. خاطرات اولیه، عنصری کلیدی در درک فرآیند رشد فرد هستند؛ بنابراین می‌توانند تعیین‌کننده شاخص‌های مهم شخصیت بزرگ‌سال و شیوه زندگی وی باشند (اکستین، ولچ و گمبر[۳]، ۲۰۰۱). مرور خاطرات اولیه مهم‌ترین روشی است که به‌واسطه آن می‌توان سبک زندگی افراد را مشخص کرد که در آن بر مؤلفه‌هایی چون ارتباطات با همشیره‌ها، ارزش‌های والدین و نگرش‌های اثرگذار در رشد شخصی تأکید می‌شود (چانی[۴]، ۲۰۱۲). سبک زندگی درست در زمانی که کودک متولد می‌شود و رفتار، افکار و احساساتش بر اساس اینکه جهان را چگونه می‌بیند و تعبیر می‌کند، شکل می‌گیرد (استولز، وولف، مونرو، فاریس و مازار[۵]، ۲۰۱۳). سبک زندگی در محیط اجتماعی اولیه کودک یعنی خانواده شکل می‌گیرد که بر اساس آن عقاید خاص و استراتژی‌های رفتاری خاص ایجاد می‌شود که می‌توانند ویژگی‌های فردی و هر چیزی که متعلق به فرد است را تعیین کنند (پتی[۶]، ۲۰۰۹).

در زمینه رابطه سبک‌های هویتی با مولفه‌های مرتبط با عملکرد خانواده و خاطرات یادآوری شده، پژوهش‌ها حاکی از تاثیرپذیری سبک‌های هویتی مختلف از متغیرهای بسیاری است. تحقیقات سراموا، بیانچی، لستیکوا، فیچنوا و همرانوا[۷] (۲۰۰۸)، پورابراهیم، حیدری و خوش‌کنش (۱۳۹۰)، هاشمی و رضوی (۱۳۸۷)، کاظمی خوبان و چابکی (۱۳۹۶)، خباز، سعدی‌پور و فرخی (۱۳۸۹) و بروزنسکی (۲۰۰۴) نشان می‌دهند که بین سبک‌های فرزند پروری و سبک‌های هویتی ارتباط وجود دارد. بر طبق این پژوهش‌ها، فرزندان والدینی که درک درستی از نوجوان خود دارند و در عین نظارت و کنترل دقیق، به نیازهای آن‌ها به‌طور مناسبی پاسخ می‌دهند، بیشتر متمایل به سبک هویت اطلاعاتی هستند. در مقابل سبک فرزند پروری مستبدانه که والدین حقی برای اظهارنظر فرزندان قائل نیستند و همه تصمیمات توسط یک نفر گرفته می‌شود، به‌احتمال زیادتری منجر به سبک هویت هنجاری می‌شود. و درنهایت خانواده‌هایی که ترکیبی از سبک تربیتی مستبد و بی‌قید هستند، به‌نوعی که هیچ مقررات خاصی در خانه وجود نداشته و هر فردی برای خود زندگی می‌کند، دارای هویت سردرگم- اجتنابی خواهند بود. همچنین گیلیان، استیجن و گریگوری[۸] (۲۰۱۸) و فولادچنگ، شیخ‌الاسلامی و صفری (۱۳۸۹) به این نتیجه رسیدند که والـدینی کـه نظـارت زیادی بر فرزندان خود اعمال می‌کنند و به‌نوعی درصدد انتقال ارزش‌هـای خود به فرزندان هستند، منجر به سبک هویتی هنجاری در آن‌ها خواهند شد و فرزندان این والدین، همواره از تصمیمات اشتباه هراس دارند و به‌نوعی وابستگی به اطرافیان در تصمیمات زندگی دارند. جاستیا و ماریا[۹] (۲۰۱۹)، هاشمی و رضوی (۱۳۸۷) و مهدی‌پور و همکاران (۱۳۹۶) نیز نشان دادند که رفتار همدلانه والدین، پذیرش و درک آن‌ها بر رشد هویت بالغ در نوجوان اثرگذار است و سبک تربیتی توأم بامحبت و پذیرش، قادر به‌پیش بینی سبک هویتی اطلاعاتی است. زمانی که نوجوان از طرف والدین مورد محبت و پذیرش واقـع نشـود، دچـار سبک سردرگم - اجتنابی می‌شود. این‌گونه نوجوانان به دلیل طرد و فاصله عاطفی با والدین، از دریافـت اطلاعات اجتناب نموده و قادر به تصمیم‌گیری در امور مهم زندگی خود نیستند.

بر اساس مطالب بیان‌شده به نظر می‌رسد خاطرات اولیه و الگوی عملکرد خانواده با زیر مؤلفه‌های خاص خود می‌تواند از عوامل تبیین‌کننده سبک‌های هویتی افراد باشد. همان‌طور که می‌دانیم هویت‌یابی یکی از مؤلفه‌های مهم در پیش‌بینی سلامت جسمانی و روانی افراد است، لذا شناسایی عواملی که بتواند در هویت‌یابی افراد مؤثر باشد حائز اهمیت است. از طرف دیگر با توجه به اینکه حجم بسیاری از تحقیقات داخلی در مورد سبک‌های هویتی به تحقیقات کمّی اختصاص‌یافته است، نیاز به پژوهش‌های کیفی برای فهم عمیق‌تر این مسئله

[1]Schultz & Schultz
[2] Kevin, Stoltz, & Marty
[3] Eckstein, Welch, & Gamber
[4]Chaney
[5] Stoltz, Wolff, Monroe, Farris, & Mazahreh
[6] Petti
[7] Seramova, Bianchi, Lasticova, Fichnova &Hamranova
[8] Gillian, Stijn, Grégoire
[9]Justyna & Maria

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1399.9.12.1.6]

احساس می‌شود. بنابراین، محققین پژوهش حاضر قصد دارند به بررسی نحوه شکل‌گیری سبک‌های هویتی بر اساس خاطرات اولیه و عملکرد خانواده از دیدگاهی کیفی بپردازند.

روش

پژوهش حاضر کیفی و با روش پدیدارشناسی صورت گرفته است. جامعه مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی (ره) تهران در سال تحصیلی ۹۸-۹۷ است. روش نمونه‌گیری هدفمند به‌عنوان روش متناسب با روش پدیدارشناسی انتخاب شد. به‌طوری‌که ابتدا سبک هویتی هر فرد با استفاده از پرسشنامه بروزنسکی، مشخص شد. سپس از هر سبک هویتی، تعدادی از افراد انتخاب شدند و ادامه روند پژوهش از طریق مصاحبه، انجام شد. جمع‌آوری اطلاعات تا زمان اشباع نظری داده‌ها ادامه یافت. درمجموع با ۴۰ شرکت‌کننده این تحقیق انجام گرفت (تعداد نمونه ۳۶ نفر بود. به‌منظور اطمینان خاطر با ۴ شرکت‌کننده دیگر نیز مصاحبه ادامه یافت).

ابزار سنجش

جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه اکتشافی نیمه‌ساختارمند در خصوص خاطرات اولیه شرکت‌کنندگان و عملکرد خانواده بر اساس مصاحبه برگرفته از پرسشنامه ابزار سنجش عملکرد خانواده مک مستر[1] (FAD) و اجرای پرسشنامه سبک‌های هویتی بروزنسکی صورت گرفت.

مصاحبه اکتشافی نیمه ساختاریافته: مصاحبه نیمه ساختاریافته، مصاحبه‌ای است که در آن، سؤالات مصاحبه از قبل مشخص می‌شود و از تمام پاسخ‌دهندگان، پرسش‌های مشابه پرسیده می‌شود؛ اما آن‌ها آزادند که به هر طریقی که می‌خواهند پاسخ دهند. البته در راهنمای مصاحبه، جزئیات مصاحبه، شیوه بیان و ترتیب آن‌ها ذکر نمی‌شود و این موارد در طی فرآیند مصاحبه تعیین می‌گردد (دلاور، ۱۳۸۳). این پژوهش با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بر مبنای خاطرات اولیه شرکت‌کنندگان و مجموعه‌ای از سؤالات اولیه بر اساس ابزار سنجش عملکرد خانواده (FAD) صورت گرفت. سؤالات مطرح‌شده در حوزه خاطرات اولیه، همانند «اولین خاطره‌ای که از دوران کودکی خود به یاد می‌آوری تعریف کن» و در حوزه عملکرد خانواده شامل «وقتی مشکلی در خانواده شما پیش می‌آید، آن را چطور حل می‌کنید؟ در حوزه‌های مختلف چطور تصمیم‌گیری می‌کنید؟» است.

پرسشنامه سبک‌های هویتی[2]: این پرسشنامه با هدف بررسی سبک‌های هویت در سال ۱۹۹۲ توسط بروزنسکی طراحی گردیده است. این ابزار شامل ۴۰ سؤال و سه زیرمقیاس سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری و اجتنابی/سردرگم است. سؤالات بر روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای (از ۱ برای کاملا مخالفم تا ۵ برای کاملا موافقم) نمره‌گذاری می‌شوند. بروزنسکی و همکاران (۲۰۱۳) ضریب آلفای کرونباخ را برای مقیاس اطلاعاتی ۰/۷۱، مقیاس هنجاری ۰/۶۵ و مقیاس اجتنابی (سردرگم) ۰/۷۵ گزارش کرده‌اند. در تحقیق غضنفری (۱۳۸۳) پایایی درونی (ضریب آلفا) مقیاس اطلاعاتی ۰/۶۷، مقیاس هنجاری ۰/۵۲ و مقیاس سردرگم یا اجتنابی ۰/۶۲ گزارش شده است.

بعد از تعیین موضوع و بررسی پیشینه پژوهش، نمونه موردنظر انتخاب شدند. قبل از انجام پژوهش به‌منظور رعایت اصول اخلاقی از افراد برای شرکت در مطالعه و ضبط صدا، رضایت گرفته شد و در خصوص اهداف پژوهش حاضر، علت ضبط جلسه، محرمانه ماندن اطلاعات و هویت آن‌ها توضیحات لازم ارائه شد. ملاک‌های ورود به پژوهش، عدم بیماری شدید جسمانی و روانی، رضایت آگاهانه و علاقه به انجام پژوهش، بودند. روند جمع‌آوری اطلاعات از طریق مصاحبه اکتشافی نیمه‌ساختاریافته در خصوص خاطرات اولیه شرکت‌کنندگان و عملکرد خانواده آن‌ها بر اساس مصاحبه برگرفته از پرسشنامه ابزار سنجش خانواده مک مستر و اجرای پرسشنامه سبک‌های هویتی بروزنسکی، صورت گرفت. ابتدا پرسشنامه سبک‌های هویتی توسط مشارکت‌کنندگان تکمیل گردید. سپس افرادی از هر سبک هویت انتخاب شده و از طریق مصاحبه اکتشافی به جمع‌آوری اطلاعات در حوزه خاطرات اولیه و عملکرد خانواده هر فرد، پرداخته شد. اطلاعات به‌دست‌آمده با روش کلایزی تجزیه‌وتحلیل شد. بدین منظور متن مصاحبه‌های پیاده شده به‌دقت خوانده و عبارات مهم آن مشخص گردید و معنای هر عبارت مهم به‌صورت کد یادداشت شد. در ادامه، کدهای حاصل از تحلیل اولیه به‌صورت جداگانه یادداشت گردید و کدهایی که به لحاظ مفهومی با یکدیگر مشابه بودند، به‌صورت طبقه‌ای درآمد و برای هر طبقه نامی در نظر گرفته شد، سپس با ادغام طبقات مختلف بر اساس مفاهیم مشترک، دسته‌های کلی‌تری ایجاد شد و درنهایت نتایج به‌صورت توصیف کاملی از پدیده موردنظر باهم ترکیب گشت و در قالب مضمون و زیرمضمون سازمان‌دهی شد. در این پژوهش نیز بعد از مصاحبه با شرکت‌کنندگان ضبط مصاحبه پیاده شد و خاطرات اولیه

[1] Family Assessment Device (FAD)
[2] Identity Style Inventory

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1399.9.12.1.6]

شرکت‌کنندگان با اصطلاحات علمی مشخص شدند و نامی برای آن‌ها در نظر گرفته شد. سپس با توجه به سؤالات مصاحبه در خصوص عملکرد خانواده بر اساس مؤلفه‌های مدل ارزیابی خانواده مک مستر، خاطرات اولیه مصاحبه‌شوندگان به نوع عملکرد ارزیابی‌شده از خانواده آن‌ها ارتباط داده شد و درنهایت با تفسیر پرسشنامه سبک‌های هویتی به ارتباط آن‌ها با نوع سبک هویتی پرداخته شد. در این پژوهش برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد یافته‌ها از کنترل و اعتبار یابی توسط اعضا استفاده شد. در این قسمت از شرکت‌کنندگان خواسته شد تا یافته‌های کلی را ارزیابی کرده و درباره صحت آن نظر دهند. همچنین بر اساس فن ممیزی، اساتید دانشگاه علامه طباطبایی [ره] به‌عنوان متخصص در حوزه نظریه داده بنیاد بر مراحل مختلف کدگذاری و مفهوم‌سازی و استخراج مقولات نظارت داشتند.

یافته‌ها

مضامین اصلی و فرعی، متناسب با داده‌ها بعد از تحلیل و کدگذاری، در جدول زیر ارائه شده است.

جدول شماره ۱: خاطرات اولیه و عملکرد خانواده مرتبط با سبک‌های هویتی

موضوع محوری	طبقات اصلی	طبقات فرعی	
		خاطرات اولیه	عملکرد خانواده
تبیین سبک‌های هویتی بر اساس خاطرات اولیه و عملکرد خانواده	سبک هویت اطلاعاتی	کنجکاوی و بازی‌های اکتشافی نافرمانی و سرکشی، عدم قبول قواعد آرزوی آزاد بودن و پرواز، قانع نبودن خاطرات خوشایند بودن در جمع و تنهایی فراخود قوی (عذاب وجدان در برابر آسیب به دیگران) عدم اجتناب از امور ناشناخته ترس از تنبیه شدن	خانواده حمایتگر (درگیری عاطفی) مشورت با سایر اعضا ارتباط منطقی با پدر و عاطفی با مادر مادر دارای انگیزه پیشرفت ارتباط عاطفی مستقیم تحقیر نکردن انعطاف‌پذیری مرزها و تقسیم وظایف
	سبک هویت هنجاری	ترس از دست دادن جایگاه نگرانی نسبت به موفقیت‌ها و شکست‌ها ترس از طرد شدن، تحقیرشدن و نیاز شدید به موردتوجه قرارگرفتن کمک به سایرین و خشنودی سایرین انتظارات بالای سایرین بخصوص مادر خشم در برابر عدم‌تأیید قانع بودن (انگیزه پیشرفت پایین) اجتماعی بودن	پدر سلطه‌گر و مادر سلطه‌پذیر مرزهای سخت خانواده پنهان نکردن اخبار در بین اعضا و نداشتن حریم خصوصی (مرزهای درهم‌تنیده) تقسیم وظایف به‌صورت مشخص درگیری عاطفی پاسخگویی عاطفی غیرمستقیم سرزنش کردن در برابر نقص قواعد
	سبک هویتی سردرگم-اجتنابی	احساس تنهایی و ترس گرایش به پناه بردن به‌جای امن نبود امنیت تحقیر شدن توسط دیگران عدم گرایش به جمع احساس ناکامی	سبک تربیتی آسان‌گیر/غفلت شده پدر مادر سلطه‌پذیر عدم درگیری عاطفی بین اعضا و حمایت اعضا از یکدیگر شکاف خانوادگی و مرزهای نامشخص نبود تقسیم‌کار مشخص تحقیر کردن یکدیگر

بر اساس جدول شماره ۱ تیپ‌های سه‌گانه هویتی اطلاعاتی، هنجاری و اجتنابی-سردرگم با نوعی از خاطرات اولیه و عملکرد خانوادگی در ارتباط هستند که در ادامه به توضیح هریک از آن‌ها پرداخته می‌شود.

الف- تیپ هویتی اطلاعاتی

خاطرات اولیه:

نافرمانی، عدم قبول قواعد و بلندپروازی ازجمله مواردی است که با خاطرات کودکی این افراد همراه است. یکی از خاطرات مکرر در بین تیپ هویتی اطلاعاتی بازی‌های اکتشافی و کنجکاوی درباره امور ناشناخته است. این افراد به دلیل اشتغال به امور ناشناخته در کنار

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1399.9.12.1.6]

ترس از این امور، جست‌وجو در یافتن معنا و مفهوم این موارد را متوقف نمی‌کردند و بدون اجتناب، در پی حل مسائل ناشناخته خود بودند؛ و به‌تبع آن زنگ خطر تنبیه والدین در بین خاطرات آن‌ها به دلیل وارد شدن به مسائلی که در قالب چارچوب‌های کودکی آن‌ها نبود، همواره وجود داشت. برای مثال شرکت‌کننده ۲۵ ساله گفت: «یادمِ با یه بیلچه همه حیاط رو می‌کندم دوست داشتم گنج پیدا کنم». یا شرکت‌کننده ۲۲ ساله گفت: «خیلی بچه شیطونی بودم و همیشه از کتک زدن بابام سر اینکه نکنه مشکلی ایجاد کنم می‌ترسیدم ولی بااین‌حال بازم شیطونیامو می‌کردم».

افراد دارای تیپ هویتی اطلاعاتی هم در جمع دوستان و هم در اوقات تنهایی خود قادر به لذت بردن از شرایط هستند و احساس شادی خود را به حضور دیگران محدود نمی‌کنند. برای مثال شرکت‌کننده ۲۴ ساله گفت: «من یه دخترخاله داشتم که خیلی باهم صمیمی بودیم، وقت‌هاییم که نمیومد خونمون یا ما نمی‌رفتیم، خودم با دوستای خیالیم بازی می‌کردم خیلی خوش می‌گذشت».

مفهوم مرتبط دیگر فراخود قوی یا ترس از آسیب رساندن به دیگران است، این افراد با وجود انگیزه بالا برای رهایی از قواعد، فراخود سخت‌گیری داشتند که از ورود آنان به دنیایی از هرج‌ومرج و نقص حقوق دیگران جلوگیری می‌کرد. برای مثال شرکت‌کننده ۲۰ ساله گفت: «خیلی شیطنت می‌کردم ولی همیشه وقتی مامان بابامو اذیت می‌کردم، زودی می‌رفتم و از دلشون درمی‌آوردم».

عملکرد خانواده:

خانواده افراد دارای تیپ هویتی اطلاعاتی حمایتگر هستند. تصمیم‌گیری در مورد مسائل با مشورت اعضا اتفاق می‌افتد ولی پدر و مادر با همکاری یکدیگر تصمیمات نهایی را اتخاذ می‌کردند. برای مثال شرکت‌کننده ۳۰ ساله گفت: «همیشه می‌شد رو کمک خانوادم حساب کنم هنوزم همینطوره، وقتی مشکلی پیش می‌آمد هممون سعی می‌کردیم حلش کنیم و کمک کنیم».

تقسیم وظایف در خانواده مشخص ولی انعطاف‌پذیر است و اعضا با همکاری در اجرا و اصلاح امور مختلف اقدام می‌کنند. برای مثال شرکت‌کننده ۲۶ ساله گفت: «یه سری قواعد داشت خونه، کسی بهمون نمی‌گفت چیکار کنیم دیگه یادگرفته بودیم و انجام می‌دادیم ولی اگه گاهی اون قانون خانواده رو حالا نه در حد خیلی زیادش زیر پامیزاشتیم خیلی سرزنش نمی‌شدیم وتحقیرمون نمی‌کردند».

در این خانواده‌ها، مادر در جایگاه بالاتری قرار دارد. مادر در این گروه دارای انگیزه پیشرفت است و موضع خنثی و سلطه‌پذیر ندارد. پدر بعد منطقی تصمیم‌گیری و مادر بعد انعطاف‌پذیر و عاطفی در این خانواده‌ها است. برای مثال شرکت‌کننده ۲۷ ساله گفت: «می‌تونم بگم مامانم ستون خونمون بود همیشه اول مسائل رو به مامان می‌گفتیم بعد اون با پدر درمیون می‌گذاشت».

ب- تیپ هویتی هنجاری-اکتسابی

خاطرات اولیه:

خاطرات اولیه تیپ هویتی اکتسابی با ترس از دست دادن جایگاه و ترس از تحقیر شدن یادآوری می‌شود. این افراد به دلیل گرایش به اجتماع، اشتغال به تأیید شدن توسط دیگران دارند که این ترس‌ها نیز با این گرایش مرتبط است. مشکلات مربوط به انتظارات بالای سایرین بخصوص مادر، از آن‌ها که با ترس‌های این افراد در خصوص از دست ندادن جایگاه دوچندان می‌شود در خاطرات کودکی این افراد بازگو می‌شود. این افراد در کودکی در پی کمک‌رسانی به دیگران و خشنود و راضی کردن آن‌ها بوده‌اند. برای مثال شرکت‌کننده ۳۲ ساله گفت: «خیلی بچه وابسته و خودشیرینی بودم. همش دوست داشتم پیش همه عزیز باشم ».

قانع بودن به شرایط موجود و فراتر نرفتن از حدود قواعد نیز ازجمله مواردی است که در خاطرات کودکی تیپ هویتی هنجاری دیده می‌شود. به‌عنوان‌مثال شرکت‌کننده ۲۳ ساله گفت: «خیلی بچه مطیعی بودم هرکاری بهم می‌گفتن انجام می‌دادم. هر اسباب‌بازی هم که برام می‌خریدن هی غر نمی‌زدم اینو نمی‌خوام اونو می‌خوام».

عملکرد خانواده:

در خانواده افراد دارای تیپ هویتی اکتسابی پدر خودرأی و سلطه‌گر و مادر سلطه‌پذیر است. نوعی ارتباط مکمل سلطه‌گر-سلطه‌پذیر در بین والدین وجود دارد. قواعد کاملاً مشخص و خشک است و نقض قواعد توسط اعضا با تحقیر و سرزنش همراه است. به‌عنوان نمونه شرکت‌کننده ۲۹ ساله گفت: «پدرم همه تصمیمات خانواده رو می‌گرفت اصلاً با ما مشورت نمی‌کرد» و شرکت‌کننده ۲۲ ساله گفت: «پدرم تو رأس خانواده بود. اگه برخلاف میلش عمل می‌کردی کلی سرزنشت می‌کرد یا مارو کتک می‌زد»

حمایت بین اعضا وجود دارد و در هنگام بروز مشکلات همه با تقسیم وظایفی مشخص در پی حل آن برمی‌آیند. ابراز عاطفی در بین اعضا به‌صورت غیرمستقیم و در عمل خود را نشان می‌دهد. اعضا هیچ‌گونه اخباری را از هم پنهان نمی‌کنند. به نظر می‌رسد افراد دارای تیپ هویتی هنجاری در بازه تمایز-امتزاج به سمت امتزاج گرایش دارند. به‌عنوان‌مثال شرکت‌کننده ۳۵ ساله گفت: «ما به هم محبت

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1399.9.12.1.6]

می‌کردیم ولی نه حالا کلماتی مثل قربونت برم و این حرفا ولی از هم حمایت می‌کردیم» و شرکت‌کننده ۲۶ ساله گفت: «مامان و بابام اصلا دوس نداشتن ما چیزیو ازشون پنهون کنیم حتی اگه کوچک بود و نمی‌گفتیم براشون خیلی سخت بود».

ج- تیپ هویتی اجتنابی –سردرگم

خاطرات اولیه:

خاطرات اولیه تیپ هویتی سردرگم-اجتنابی با احساسات تنهایی، نبود امنیت، ترس، تحقیر شدن توسط دیگران، احساس دل‌تنگی نسبت به گذشته، خجالتی بودن و ناکامی در دوران کودکی همراه است. برای مثال شرکت‌کننده ۲۰ ساله گفت: «عروسی عموم بود همه داشتن حاضر می‌شدن ولی من مامانم زودتر رفته بود و لباسای من تو کمد بود هرکاری می‌کردم کمد باز نمی‌شد و کلیدش گم شده بود استرس خیلی عجیبی داشتم» و شرکت‌کننده ۴۰ ساله گفت: «همیشه منو با دختر داییم مقایسه می‌کردن اون خوشگل‌تر و باهوش‌تر از من بود از اینکه خودمو پایین‌تر از اون می‌دیدم احساس خیلی بدی داشتم».

این افراد به دلیل نداشتن خاطرات خوشایند در دوران کودکی گرایشی به سمت اجتماع نداشته و بدون دوستانی صمیمی به‌تنهایی بازی می‌کردند ولی برعکس تیپ هویتی اطلاعاتی که در تنها بازی کردن خود لذت می‌بردند، این افراد نه در جمع و نه در تنهایی احساس توأم با آرامش را تجربه نمی‌کردند. شرکت‌کننده ۲۵ ساله گفت «من اختلاف سنیم از داداشام و بچه‌های فامیل کمتر بود وقتی بازی می‌کردن منو راه نمیدادن مجبور بودم بشینم کنار و به بازی اونا نگاه کنم. تا جایی که یادمه بچگی دوست پایه‌ای نداشتم».

عملکرد خانواده:

سبک تربیتی پدر در خانواده تیپ شخصیتی سردرگم- اجتنابی، آسان‌گیر است. پدر و مادر در تصمیمات در رأس قدرت نیستند و هرکس جدا از دیگری در حل مشکلات خود اقدام می‌کند. مرزها و نقش‌ها نامشخص است. در این خانواده‌ها هر کس به دنبال حل مسائل خود به‌صورت فردی است و کسی دغدغه حل مشکلات دیگری را ندارد. برای مثال شرکت‌کننده ۲۸ ساله گفت: «تو خونه ما هرکی برا خودش کار می‌کنه کاری به کسی دیگه‌ای نداریم، من که خودم همیشه رو پای خودم بودم و هیچ انتظاری از اعضا خانوادم نداشتم چون اونا هم سرگرم کار خودشونن» و شرکت‌کننده ۴۵ ساله گفت: «ما بچه‌ها زیاد بودیم. پدر و مادرم مسن بودن کاری به کار ماها نداشتن در حد اینکه برن و کارای خودشونو انجام بدن، پدرم سر زمین کار می‌کرد و مادرمم از صبح تا شب تو خونه و کمک دست بابام بود می‌تونستیم هر کاری بکنیم. اینکه کاری نکردیم بخاطر اینکه خودمون نخواستیم نه اینکه کسی نزاره». باوجود نبود قواعد و تقسیم وظایف مشخص اعضا یکدیگر را در بروز مشکلات تحقیر و سرزنش می‌کنند. ابراز عاطفی و پاسخگویی عاطفی در بین افراد چه در قالب کلمات و چه در عمل دیده نمی‌شود. به‌عنوان‌مثال شرکت‌کننده ۱۹ ساله گفت: «بابا و مامانم با ما کاری نداشتن هرکاری که کنیم مثلاً می‌شد یه اشتباه بزرگ می‌کردی و اصلاً نمی‌دیدن ولی گاهی سر کوچیک‌ترین مسائل داد می‌زدن انگار عقدشونو از جای دیگه سرما خالی می‌کردن». همچنین شرکت‌کننده ۲۴ ساله گفت: «تو خونه ما کسی از کلمات محبت‌آمیز استفاده نمی‌کنه من با کسی دردودل نمی‌کنم تو خونه بیشتر تو خودمم».

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، تبیین سبک‌های هویت دانشجویان بر اساس خاطرات اولیه و عملکرد خانواده بود. بر اساس یافته‌های این پژوهش تیپ‌های سه‌گانه هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم-اجتنابی با خاطرات اولیه در دوران کودکی و عملکرد خانواده در ابعاد گوناگون قابل تبیین است. در ادامه به ترتیب به بررسی هریک از سبک‌های هویتی با ویژگی‌های خاطرات اولیه و مؤلفه‌های عملکرد خانواده پرداخته می‌شود.

نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که در تیپ هویت اطلاعاتی، عملکرد خانواده با ویژگی‌هایی همچون حمایت عاطفی قوی، مشورت کردن، قواعد مشخص و انعطاف‌پذیر در خانواده و خاطرات اولیه با محوریت ویژگی‌های مانند نافرمانی، قانع نبودن به شرایط موجود و حرکت به سمت کشف ناشناخته‌ها مشخص می‌شود. این یافته‌ها با پژوهش‌های ساینس، بروزنسکی، ونستینکیس، بیرز، گوسنز[1] (۲۰۰۵)، قاسم‌پور، عظیمی، ثناگو و مبصری (۱۳۹۶) و صادقی، تاجیک‌زاده و محرابی‌زاده هنرمند (۱۳۹۳) همسو است که ارتباط ویژگی‌های شخصیتی کنجکاوی، گشودگی به تجربه, میل به پیشرفت را با سبک هویتی اطلاعاتی نشان داده‌اند. همچنین با پژوهش‌های سراموا و

[1]Soenens, Vansteenkiste, Beyers, Goossens

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1399.9.12.1.6]

همکاران (۲۰۰۸)، پورابراهیم و همکاران (۱۳۹۰)، هاشمی و رضوی (۱۳۸۸)، کاظمی خوبان و چابکی (۱۳۹۶)، رایان و دسی[1] (۲۰۰۰)، ساینس و همکاران (۲۰۰۷)، ساینس و همکاران (۲۰۰۵)، جاستیا و ماریا (۲۰۱۹)، خباز و همکاران (۱۳۸۹)، فولادچنگ و همکاران (۱۳۸۹) و بروزنسکی (۲۰۰۴) همسو است؛ که ارتباط فضای همدلانه و صمیمیت در خانواده، سبک‌های فرزند پروری مقتدرانه، نظارت مناسب و حمایت والدین را با هویت اطلاعاتی را نشان داده‌اند.

افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی برای دستیابی به مفهوم «من کیستم؟» بدون استفاده از مفاهیم از پیش موجود، به شیوه‌ای فعالانه در پی کسب پاسخ این سؤال برمی‌آیند که این ویژگی با مفاهیمی چون نافرمانی در برابر قواعد اجباری، عدم تحمل در برابر شرایط راکد و حرکت به سمت دنیای ناشناخته‌ها، ارتباط پیدا می‌کند. تیپ هویت اطلاعاتی در جایگاه مثبتی در بین انواع سبک‌های هویتی قرار دارد. زمانی یک فرد می‌تواند به کسب این هویت دست یابد که علاوه بر تجربه بحران، به‌نوعی احساس تعهد نسبت به معنای ایجادشده در زندگی و در ارتباط با افرادی که می‌توانند در تحقق این معنا نقش داشته باشند، برسد. افراد دارای تیپ هویت اطلاعاتی خاطراتی از کودکی را به یاد می‌آورند که با احساسات تنهایی، نبود امنیت و اجتناب از دیگران همراه است. چنین مسائلی به نظر می‌رسد برای این نوع افراد در دوران کودکی وجود داشته و به سایر مراحل رشدی سرایت نیافته است، زیرا افراد دارای تیپ هویت اطلاعاتی در برقراری روابط اجتماعی و ارتباطات بین‌فردی، نسبت به سایر سبک‌های هویتی در جایگاه بهتری قرار دارند (شولتز و شولتز، ۲۰۱۳، ترجمه سید محمدی، ۱۳۹۲). اینکه افراد دارای این نوع سبک هویتی چگونه احساسات تنهایی، ناکامی و ترس نسبت به تحقیر اجتماعی را در مراحل بعدی به‌صورت موفقیت‌آمیز حل می‌کنند در واژه‌ی استقلال و محوریت خود، قابلیت تبیین دارد، یعنی می‌توان گفت چنین مسائلی در دوران کودکی برای این افراد این پیش‌فرض را ایجاد کرده که نباید برای حل مسائل و سؤالات پیش روی خود به دیگران وابسته بود و به شیوه‌ای کنشی و فعالانه در پی حل مسائل خود برآمد. هرچند لازم است در جهت تبیین چنین مسائلی با نوع مکانیسم‌های دفاعی و مقابله‌ای در سبک‌های هویتی پژوهش‌های کیفی بیشتری انجام شود. همچنین الگوی ارتباطی خانواده در این تیپ هویتی به صورتی است که در آن میزان حمایت و پاسخگویی عاطفی به میزان بالایی وجود دارد. در این خانواده‌ها مرزها و تقسیم وظایف مشخص است. وجود الگوهای ارتباطی باز که فرصت تبادل و ورود و خروج اطلاعات را به سیستم خانواده با نظر به بازخوردهای منفی به‌عنوان حفظ‌کننده ثبات در خانواده، بی‌ارتباط با ویژگی‌های منعطف افراد دارای این نوع سبک هویتی نیست.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که فرزندان دارای تیپ هویتی هنجاری در خاطرات اولیه خود ویژگی‌هایی همچون نیاز افراطی به تأیید و پذیرفته شدن توسط دیگران و قانع بودن به شرایط موجود را نشان دادند. همچنین عملکرد خانواده در این تیپ هویتی دارای قواعد انعطاف‌ناپذیر، مرز نامشخص در روابط و وجود سلسه‌مراتب قدرت است. این نتایج با یافته‌های ساینس و همکاران (۲۰۰۵)، بروزنسکی (۲۰۰۰) و صادقی و همکاران (۱۳۹۳) همسو است که ارتباط ویژگی‌های شخصیتی پذیرش پایین تجربیات جدید و ضعف استقلال در تصمیم‌گیری را با سبک هویتی هنجاری نشان می‌دهد. همچنین با پژوهش‌های سراموا و همکاران (۲۰۰۸)، هاشمی و رضوی (۱۳۸۷)، گیلیان و همکاران (۲۰۱۸)، کاظمی خوبان و چابکی (۱۳۹۶)، فولادچنگ و همکاران (۱۳۸۹) و بروزنسکی و کاک (۲۰۰۰)، همسو است که ارتباط سبک فرزند پروری مستبدانه، نظارت شدید و عدم تشویق به خودمختاری را با سبک هویت هنجاری نشان می‌دهد.

افراد دارای تیپ هویت هنجاری به‌شدت نگران تأیید دیگران بخصوص والدین خود هستند. یکی از ویژگی‌های افراد دارای سبک هویت هنجاری آن است که بدون تجربه بحران هویت، خود را متعهد به پایبندی در برابر مفاهیم القاشده به آنان می‌دانند که این مورد می‌تواند با گرایش آنان به عدم مخالفت با دیگران و کسب تأیید اجتماعی مرتبط باشد. قانع بودن نسبت به شرایط و نداشتن انگیزه جهت جلو رفتن از قواعد و شرایط موجود نیز در خاطرات این افراد دیده می‌شود. بر اساس یافته‌های این پژوهش، در خانواده‌های دارای فرزندان تیپ هنجاری، سلسله‌مراتب قدرت حاکم است و یک فرد تصمیم‌گیرنده است و سایر اعضا دریافت‌کننده اطلاعات و اوامر گوناگون هستند و در صورت نقض قواعد خانواده، با سرزنش سایرین روبه‌رو می‌شوند. دیگر ویژگی این خانواده‌ها، حمایت کردن، ابراز عاطفی و پاسخگویی عاطفی است. چنین افرادی در قالب من خانوادگی به مسائل مختلف پاسخ می‌دهند. همچنین در این خانواده‌ها هیچ فضای شخصی‌ای به‌عنوان نشانه‌ای از استقلال نیست. چنین ویژگی‌هایی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده سبک هویت بسته‌بندی‌شده و فروخورده افراد دارای سبک هویت هنجاری باشد.

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، افراد دارای تیپ هویتی سردرگم-اجتنابی، عملکرد خانواده‌ای با سبک تربیتی سهل گیرانه و غفلت‌آمیز، قواعد نامشخص، سرزنش و رفتار تحقیرآمیز در واکنش به اشتباهات اعضا و حمایت عاطفی ضعیف دارند. نتایج موردنظر با

[1] Deci

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1399.9.12.1.6]

یافته‌های قاسم‌پور و همکاران (۱۳۹۶) و بروزنسکی (۲۰۰۴)، همسو است که ارتباط ویژگی‌های شخصیتی بی‌ثباتی هیجانی و عادت به ناتمام گذاشتن تکالیف را با سبک هویتی سردرگم-اجتنابی، نشان می‌دهد. همچنین با یافته‌های سراموا و همکاران (۲۰۰۸)، هاشمی و رضوی (۱۳۸۷)، پورابراهیم و همکاران (۱۳۹۰)، قاسم‌پور و همکاران (۱۳۹۶)، کاظمی خوبان و چابکی (۱۳۹۶)، جاستیا و ماریا (۲۰۱۹) و خباز و همکاران (۱۳۸۹) همسو است که ارتباط سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه، طرد و عدم پذیرش همدلانه والدین را با سبک هویت سردرگم- اجتنابی، نشان می‌دهد.

سبک تربیتی والدین در فرزندان دارای تیپ شخصیتی سردرگم-اجتنابی، به‌صورت سهل‌گیرانه است. افراد دارای تیپ سردرگم نه بحران هویت را تجربه می‌کنند و نه به آرمانی متعهد می‌شوند که این ویژگی‌ها می‌تواند با نبود قواعد مشخص و معین در خانواده و نبود تعهد اعضا و احساس مسئولیت‌پذیری در برابر یکدیگر مرتبط باشد. خانواده‌های فرزندان تیپ سردرگم-اجتنابی اگرچه رئیس خانواده در قالب پدر کمتر به فرزندان و امور آن‌ها نظارت دارد و به نظر می‌رسد هرکس برای خود فعالیت می‌کند ولی ممکن است در مواردی سخت‌گیری شدید و بی‌موردی اعمال کند که با تحقیر اعضا همراه باشد. در این خانواده‌ها، گفت‌وشنود عاطفی و حمایت اعضا از یکدیگر در پایین‌ترین سطح خود قرار دارد. زمانی که مرزها چه در درون فرد به‌عنوان تفکیک عواطف و افکار و چه در سطح بین‌فردی در قالب عواطف و افکار من و دیگری مشخص نباشد، تبادل پیام‌ها به‌گونه‌ای مبهم صورت می‌گیرد و حمایتی از یکدیگر در قالب اعضایی متمایز صورت نمی‌گیرد زیرا همگی در یک توده من خانوادگی نامتمایز بدون احساس استقلال و همبستگی به سر می‌برند.

تحقیق حاضر در قالب یک نوع مطالعه کیفی با محدودیت‌های همراه است که خاص تحقیقات کیفی است. محدودیت در نمونه‌گیری تصادفی اعضا، سوگیری محقق در تفسیر داده‌های به‌دست‌آمده، اثر حضور محقق و افشا نکردن اطلاعات در پر کردن پرسشنامه‌ها و در پاسخ دادن به سؤالات مصاحبه از سوی شرکت‌کنندگان ازجمله محدودیت‌هایی است که اعتبار نتایج پژوهش را با تهدید روبه‌رو می‌کند. بنا بر آنچه گفته شد هویت بر اساس همانندسازی دوران کودکی شکل می‌گیرد و نوع ارتباطات اولیه با فرزندان در دوران کودکی در قالب خاطرات اولیه آن‌ها ثبت می‌شود که می‌تواند در شکل‌گیری هویت و سبک زندگی آن‌ها تأثیر بسزایی داشته باشد. همچنین عملکرد خانواده نیز به‌عنوان یک سیستم در ابعاد گوناگون می‌تواند در شکل‌گیری سبک هویتی افراد اثرات مهمی برجای بگذارد؛ بنابراین ازآنجایی‌که هویت هر فرد خط دهنده اصلی حرکات او در مسیر زندگی و نوع معنایی است که به دست می‌آورد، پیشنهاد می‌شود با ارائه آموزش‌های مناسب به والدین در خصوص نحوه برخورد با فرزندان و تنظیم عملکرد خانواده در شکل‌گیری سبک هویتی مناسب فردی و اجتماعی اقدامات لازم انجام گیرد.

منابع

پور ابراهیم، تقی؛ حیدری، جعفر؛ و خوش کنش، ابوالقاسم (۱۳۹۰). رابطه شیوه‌های فرزند پروری با سبک‌های هویت‌یابی و گرایش به مشاغل در نوجوانان. *مشاوره شغلی و سازمانی*، ۳(۸)، ۱۱-۲۴.

پروندی، علی؛ عارفی، مختار؛ مرادی، اسما (۱۳۹۵). نقش عملکرد خانواده و الگوهای ارتباطی زوجین در پیش بینی رضایت زناشویی، *فصلنامه آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده*، ۲(۱)، ۵۴-۶۵.

خباز، محمود؛ سعدی پور، اسماعیل، فرخی، نورعلی (۱۳۸۹). آزمون علی رابطه بین سبک‌های فرزند پروری، سبک‌های هویت و تعهد هویت در نوجوانان، *فصلنامه روانشناسی تربیتی*، ۶(۱۶).

دلاور، علی (۱۳۸۳). *مبانی نظری و عملی پژوهش*، تهران: رشد.

ربانیان نجف‌آبادی، رضا (۱۳۹۱). بررسی مقایسه سبک‌های هویت و خودکارامدی در دانش آموزان پسر با و بدون پرخاشگری پایه اول دبیرستان‌های شهرستان نجف‌آباد، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

شولتز، دوان؛ و شولتز، سیدنی آلن (۲۰۱۳). *نظریه‌های شخصیت*، ویراست دهم، ترجمه سیدمحمدی، یحیی (۱۳۹۲). تهران: نشر ویرایش.

صادقی، راضیه؛ تاجیک زاده، فخری؛ و مهرابی زاده هنرمند، مهناز (۱۳۹۳). رابطه ویژگی‌های شخصیتی با سبک‌های هویتی در دانشجویان. *مجله دانشگاه علوم پزشکی ایلام*، ۲۲، ۲۱۵- ۲۰۶.

غضنفری، احمد (۱۳۸۳). اعتبار یابی و هنجاریابی پرسشنامه سبک هویت(ISI-6G) . *نشریه مطالعات تربیتی و روانشناسی*، ۵(۱)،۸۱-۹۴.

فولادچنگ، محبوبه؛ شیخ‌الاسلامی، راضیه؛ صفری، هاجر (۱۳۸۹). پیش‌بینی سبک‌های پردازش هویت نوجوانان بر اساس ابعاد فرزند پروری، *مجله روانشناسی*، ۶ (۱۹)، ۳-۱۷.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1399.9.12.1.6]

قاسم پور، فاطمه؛ عظیمی، مریم؛ ثناگو، اکرم؛ و مبصری، علی‌اکبر (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین سبک‌های هویت و انگیزه پیشرفت در دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان ساری. *مجله علمی پژوهان*، ۱۶(۲)، ۴۲-۵۲.

کاظمی خوبان، زهرا؛ و چابکی، عزیز (۱۳۹۶). رابطه عملکرد خانواده و سبک‌های هویتی در دانش آموزان دختر دبیرستان‌های شهر کرج. *روان‌شناسی و روان‌پزشکی شناخت*، ۴(۱)، ۲۶-۳۷.

مهدی پور، سعید؛ فروغیان، زهرا؛ فلاحتی، فاطمه؛ و نادیان، کوثر (۱۳۹۶). الگوهای ارتباطی والدین پیش‌بینی کننده سبک‌های هویتی نوجوانان. روانشناسی معاصر، ۱۲ (ویژه‌نامه)، ۱۶۸۵-۱۶۸۸.

میر محمدرضایی، زهرا؛ ساروخانی، باقر (۱۳۹۷). نقش جهانی‌شدن در تغییرات دو دهه اخیر خانواده ایرانی، *فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده*، ۱۳(۴۴)، ۱۳۱-۱۶۴.

هاشمی، نظام؛ و رضوی، عباس (۱۳۸۷). بررسی و مقایسه سبک‌های هویتی و عوامل مرتبط با آن در دانش آموزان نوجوان شاهد. *فصلنامه علمی-پژوهشی روانشناسی تربیتی*، ۳ (۱۳)، ۴۵-۶۸.

Archer, S. L. (2008). Identity and interventions: An introduction. *Identity: An International Journal of theoty and Research*, *8*(2), 89-94.

Berzonsky, M. D., Soenens, B., Luyckx, K., Smits, I., Papini, D. R., & Goossens, L. (2013). Development and validation of the revised Identity Style Inventory (ISI-5): Factor structure, reliability, and validity. *Psychological assessment*, *25*(3), 893.

Berzonsky, M. D. (2003). Identity style and well-being: Does commitment matter. *Identity,An International Journal of Theory and Research*, 3, 131-142.

Berzonsky,M. D., Kuk, L. S. (2000). Identity Status, Identity Processing Style, and the Transition to University. *Journal of Adolescent Research*, 15 issue: 1, 81-98.

Berzonsky, M. D. (1992). Identity Style and Coping Strategies. *Journal of personality*, 60(4), 771-788.

Berzonsky, M. D. (2004). Identity style, parental authority, and identity commitment. Journal of Youth and Adolescence, 33(3), 213-220.

Chaney, D. (2012). *Lifestyles*. London: Routledge.

Eckstein, D., Welch, D. V., & Gamber, V. (2001). The process of early recollection reflection (PERR) for couples and families. *The Family Journal*, *9*(2), 203-209.

Gillian, A. S., Stijn, V. P. , Grégoire, Z. (2018). Exposing the role of coparenting and parenting for adolescent personal identity processes. *Journal of Social and Personal Relationships*, 4(36), 1233-1255.

Justyna, M. K, Maria, K. (2019). The empathic family and the development of mature personal identity in emerging adults. *Journal of Youth Studies* , 23(3), 269-290

Kevin, B., Stoltz, B., & Marty, A. (2017). The work life task: Adler's influence on career counseling and development. *The journal of Individdual Psychology*, 73(4), 295-306.

Stoltz, K. B., Wolff, L. A., Monroe, A. E., Farris, H. R., & Mazahreh, L. G. (2013). Adlerian lifestyle, stress coping, and career adaptability: Relationships and dimensions. *The Career Development Quarterly*, *61*(3), 194-209.

Pesigan, I. J. A., Luyckx, K., & Alampay, L. P. (2014). Brief report: Identity processes in Filipino late adolescents and young adults: Parental influences and mental health outcomes. *Journal of Adolescence*, 37(5), 599- 604.

Petti, S. (2009). Lifestyle risk factors for oral cancer. *Oral oncology*, *45*(4-5), 340-350.

Ryan, C. E., Epstein, N. B., Keitner, G. I., Miller, I. W., & Bishop, D. S. (2012). *Evaluating and treating families: The McMaster approach*. Routledge.

Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2000). Self-determination theory and the facilitation of intrinsic motivation, social development, and well-being. *American Psychologist*, *55*(1), 68–78.

Schwartz, S. J., Cote, J. E., & Arnett, J. J. (2005). Identity and agency in emerging adulthood: Two developmental routes in the individualization process. *Youth & Society*, 37(2), 201-229.

Seramova, B., Bianchi, G., Lasticova, B., Fichnova, K., &Hamranova, A. (2008). Analyses of Socio-Cognitive Identity Styles by Slovak Adolescents. *International Journal of Human and Social Sciences*, 2(4), 196-200.

Soenens, B., Berzonsky, M. D., Vansteenkiste, M., Beyers, W., & Goossens, L. (2005a). Identity styles and causality orientations: In search of the motivational underpinnings of the identity exploration process. *European Journal of Personality*, 19, 427–442.

Soenens, B., Vansteenkiste, M., Lens, W., Luyckx, K., Goossens, L., & Beyers, W. (2007). Conceptualizing parental autonomy support: Adolescent perceptions of promotion of independence versus promotion of volitional functioning. *Developmental Psychology*, 43(3), 633–646.

Valyear, K. F., Culham, J. C., Sharif, N., Westwood, D., & Goodale, M. A. (2006). A double dissociation between sensitivity to changes in object identity and object orientation in the ventral and dorsal visual streams: a human fMRI study. *Neuropsychologia*, 44(2), 218-228.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1399.9.12.1.6]